



Critique and Evaluation of the Persian Translation Process of the Book Cinderellas of Muscat by Huda Hamed Based on Vinay and Darbelnet's Model

Asma Obeidavi¹, Rasoul Balavi*², Seyyed Ahmad Mosawi Panah³

¹ M.A. Student in Arabic Translation, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

² Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
01/05/2025

Accepted:
30/07/2025

In recent years, translation studies have achieved a more precise understanding of the translation process through the application of modern theories. Among these, the seven-method model of Vinay and Darbelnet (1995), which introduces two main strategies — direct and oblique translation — and seven techniques including borrowing, calque, literal translation, transposition, modulation, equivalence, and adaptation, offers an effective framework for translation analysis. This study aims to analyze the Persian translation of the novel *Cinderellas of Muscat* written by the Omani author Huda Hamed. It comparatively examines selected translated segments against the original Arabic text based on the aforementioned model. The research follows a descriptive-analytical method with purposively selected data. The analysis shows that the translator, Ma'ani Sha'bani, predominantly employed four techniques within the oblique translation category, with equivalence being the most frequently used. This approach has resulted in a fluent, coherent translation that aligns well with the needs of Persian-speaking readers. The findings also reveal that the translation focuses more on effective message transmission than on replicating the author's style — a justifiable choice given the narrative origin and fictional nature of the work. Overall, the conscious use of translation techniques has created a relative balance between fidelity to the original text and reader engagement.

Keywords: *Vinay and Darbelnet, Translation, Sha'bani, Cinderellas of Muscat, Huda Hamed.*

Cite this article: Last name, F. & Last name, S. (2025). *Critique and Evaluation of the Persian Translation Process of the Book Cinderellas of Muscat by Huda Hamed Based on Vinay and Darbelnet's Model*, year2, issue1, Pp 221-248.

DOI: 10.22034/jisall.2025.533258.1086

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



***Corresponding Author:** Rasoul Balavi

Address: Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

E-mail: r.balavi@scu.ir



نقد و ارزیابی فرایند ترجمه فارسی کتاب «سندریلات مسقط» اثر هدی حمد با تکیه بر مدل وینه و

داربلنه

اسماء عبیداوی^۱، رسول بلاوی^{۲*}، سید احمد موسوی پناه^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۲ استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۱۲

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۵/۰۹

مطالعات ترجمه در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از نظریه‌های نوین، به تحلیل دقیق‌تری از فرایند ترجمه دست یافته است. در این میان، نظریه هفت‌گانه وینی و داربلنه (۱۹۹۵) با معرفی دو دسته کلی ترجمه مستقیم و غیرمستقیم، و هفت تکنیک شامل وام‌گیری، ترجمه تحت‌اللفظی، گرت‌برداری، تغییر صورت، تغییر بیان، تعدیل و معادل‌یابی، الگویی کارآمد برای بررسی ترجمه‌ها فراهم آورده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل ترجمه فارسی رمان «سیندرلاهای مسقط» نوشته هدی حمد، اثر نویسنده عمانی، به بررسی مقایسه‌ای برخی گزاره‌های ترجمه‌شده با متن اصلی عربی بر اساس این نظریه می‌پردازد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که مترجم، معانی شعبانی، بیشتر از چهار تکنیک در حیطه ترجمه غیرمستقیم بهره برده است که در این میان، تکنیک معادل‌یابی بیشترین بسامد را داشته است. این رویکرد باعث شده ترجمه‌ای روان، گویا و متناسب با نیاز مخاطب فارسی‌زبان ارائه شود. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که ترجمه حاضر بیش از آنکه درصدد بازتاب سبک نویسنده باشد، بر انتقال روشن و مؤثر پیام تمرکز دارد؛ امری که با توجه به خاستگاه روایی اثر و ماهیت داستانی آن، منطقی و قابل دفاع به نظر می‌رسد. در مجموع، استفاده آگاهانه از تکنیک‌های ترجمه سبب شده تا تعادلی نسبی میان وفاداری به متن و جذب مخاطب ایجاد شود.

کلمات کلیدی: وینه و داربلنه، ترجمه، شعبانی، سیندرلاهای مسقط، هدی حمد.

استاد: عبیداوی، ا. بلاوی، ر. موسوی پناه، س.ا. (۱۴۰۴). نقد و ارزیابی فرایند ترجمه فارسی کتاب «سندریلات مسقط» اثر هدی

حمد با تکیه بر مدل وینه و داربلنه، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۲۱-۲۴۸.

DOI: 10.22034/jisall.2025.533258.1086



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

در دنیای امروز که تعاملات میان‌فرهنگی به سرعت در حال گسترش است، ترجمه دیگر صرفاً ابزاری برای انتقال واژه‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه پلی ارتباطی میان فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌های گوناگون است. از این منظر، ترجمه نوعی بازآفرینی مفهومی است که در بستر زبانی و فرهنگی جدید شکل می‌گیرد. چنان‌که هتیم و میسن تأکید می‌کنند، ترجمه عملی فرهنگی-گفتمانی است و بدون در نظر گرفتن عناصر تفسیری و زمینه‌ای نمی‌توان پیام را از زبانی به زبان دیگر منتقل کرد (هتیم و میسن، ۱۹۹۷: ۱). در همین راستا، صفوی نیز یادآور می‌شود که «نمی‌توان از ترجمه بدون دخالت عناصر فرهنگی و تفسیری سخن گفت؛ زیرا هیچ پیامی را نمی‌توان بدون دگرگونی در ساخت و معنا به زبانی دیگر منتقل کرد» (صفوی، ۱۴۰۲: ۱۳).

در برابر نگاه سنتی که ترجمه را معادل‌سازی دقیق واژه‌ها می‌دانست، دیدگاه‌های نوین نقش مترجم را فراتر از این تعریف می‌بینند. نجفی معتقد است که ترجمه موفق، بازآفرینی متن به زبان مقصد است، به گونه‌ای که گویی نویسنده خود به آن زبان می‌نوشت (نجفی، ۱۳۶۱: ۱۰۳). این نگرش، امروزه در نظریه‌های نوین ترجمه نیز نمود یافته و بر نقش خلاقانه و ارتباطی مترجم تأکید دارد.

یکی از نظریه‌های شناخته‌شده در حوزه مطالعات ترجمه، مدل وینی و داربلنه است که در دهه ۱۹۵۰ میلادی شکل گرفت. این نظریه، ترجمه را به دو روش کلی تقسیم می‌کند: مستقیم (قرض‌گیری، گرت‌برداری، ترجمه تحت اللفظی) و غیرمستقیم (جابه‌جایی، تغییر بیان، معادل‌یابی، همانندسازی). این مدل که بر پایه زبان‌شناسی مقابله‌ای بنا شده، تلاش می‌کند با در نظر گرفتن تفاوت‌های ساختاری و معنایی، ابزارهایی عملی برای تحلیل ترجمه‌ها ارائه دهد (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۰).

از دهه ۱۹۵۰ به این سو، با ورود رویکردهای زبان‌شناختی، امکان بررسی دقیق‌تر عملکرد مترجمان و ارزیابی کیفیت ترجمه فراهم شده است. به گفته موندی، مدل‌هایی چون نظریه وینه و داربلنه، بستری منسجم برای تحلیل سبک و تکنیک‌های مترجمان فراهم می‌آورند (ماندی، ۱۳۸۹: ۴۲). با این حال، بسیاری از پژوهش‌های ترجمه در ایران عمدتاً به آثار غربی معطوف‌اند و مطالعه‌های نظام‌مند درباره ترجمه‌ی آثار معاصر عربی، به‌ویژه آثار نویسندگان زن عرب، هنوز اندک است.

با وجود اهمیت مدل وینه و داربلنه در مطالعات ترجمه، این چارچوب محدودیت‌هایی نیز دارد. از جمله آنکه بیشتر بر جنبه‌های زبانی و ساختاری تمرکز دارد و به ابعاد ایدئولوژیک و فرهنگی ترجمه

کمتر توجه کرده است؛ مسئله‌ای که در متون ادبی معاصر اهمیت زیادی دارد (بیکر، ۲۰۱۸: ۱۱۳). همچنین، این مدل به دلیل قدمت تاریخی خود، کمتر با نظریه‌های کارکردی متأخر هم‌خوانی دارد. در همین زمینه، رایس (۱۹۹۷: ۲۴) با طرح رویکرد کارکردی، بر اهمیت نقش و کارکرد متن در تعیین راهبردهای ترجمه تأکید می‌کند. ونوتی نیز در بازنگری‌های اخیر خود بر ضرورت توجه به بومی‌سازی و بیگانه‌سازی به‌عنوان راهبردهایی فرهنگی و ایدئولوژیک تأکید کرده است (۲۰۰۸: ۱۹). بنابراین، به‌کارگیری مدل وینه و داربلنه باید در کنار آگاهی از این تحولات نظری انجام گیرد.

رمان سیندرلای مسقط اثر هدی حمد، نویسنده عمانی، روایتی چندلایه از هویت زنانه، روابط اجتماعی، و تضاد میان سنت و مدرنیته ارائه می‌دهد. این رمان با زبانی شاعرانه و فضایی واقع‌گرایانه، جهان درونی زنان عرب را کاوش می‌کند. ترجمه فارسی این اثر توسط معانی شعبانی انجام شده است. بررسی این ترجمه در چارچوب نظریه وینه و داربلنه، می‌تواند ابزاری مناسب برای ارزیابی میزان وفاداری به متن، بازتاب سبک نویسنده، و انتقال مفاهیم فرهنگی باشد.

باتوجه به اهمیت این رمان در ادبیات معاصر عرب و کمبود تحلیل‌های ترجمه‌ای پیرامون آن، این پژوهش می‌کوشد با تمرکز بر ترجمه فارسی شعبانی، عملکرد مترجم را در چارچوب مدل کلاسیک وینه و داربلنه ارزیابی کند. چنین تحلیلی می‌تواند به درک بهتری از چگونگی بازآفرینی مفاهیم، سبک و زبان ادبی در ترجمه‌های عربی به فارسی کمک نماید.

در این پژوهش، برخی مفاهیم کلیدی نیز به‌صورت عملیاتی تعریف شده‌اند تا از ابهام نظری جلوگیری شود. منظور از «وفاداری به متن» حفظ مقصود اصلی نویسنده و بازتاب عناصر سبکی او در زبان مقصد است، نه صرفاً برابری واژگانی. «خوانایی» به میزان روانی و قابل‌فهم بودن متن ترجمه‌شده برای مخاطب فارسی‌زبان اشاره دارد و بر اساس معیارهایی همچون سلاست نحوی و طبیعی بودن واژگان سنجیده می‌شود (بیکر، ۲۰۱۸: ۷۸). همچنین، «انتقال فرهنگی» به معنای توانایی مترجم در بازآفرینی عناصر فرهنگی زبان مبدأ در قالبی قابل‌درک و پذیرفتنی برای مخاطب زبان مقصد است، حتی اگر این امر مستلزم تعدیل یا معادلیابی باشد (رایس، ۱۹۷۷: ۳۵).

نوآوری پژوهش در آن است که با تلفیق چارچوب کلاسیک وینی و داربلنه با نقدهای نظری متأخر (رایس، بیکر، ونوتی)، امکان ارزیابی هم‌زمان ابعاد زبانی و فرهنگی ترجمه فراهم می‌شود.

بدین ترتیب، مطالعه حاضر تلاشی است برای پرکردن خلأ موجود در بررسی ترجمه‌های معاصر ادبیات عربی به فارسی از منظر نظریه‌های ترکیبی.

در این پژوهش، از رویکرد توصیفی - تحلیلی به موضوع تحقیق بهره گرفته می‌شود. هدف این پژوهش بررسی و نقد ترجمه فارسی این رمان است همچنین، این پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- ترجمه معانی شعبانی از رمان سیندرلای مسقط بیشتر با کدام یک از روش‌های ترجمه وینه و داربلنه (مستقیم یا غیرمستقیم) هم‌خوانی دارد؟

- سبک ترجمه این اثر با استفاده از تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه چگونه ارزیابی می‌شود؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، تحلیل ترجمه متون ادبی باتکیه بر نظریه‌های زبان‌شناختی، به‌ویژه مدل وینه و داربلنه (۱۹۵۸)، توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است. این مدل با ارائه هفت تکنیک ترجمه در دو دسته کلی «مستقیم» و «غیرمستقیم»، ابزار تحلیلی مناسبی برای بررسی نحوه برگردان متون میان‌فرهنگی فراهم آورده است. با این حال، بررسی تطبیقی ترجمه آثار ادبی معاصر عربی به فارسی، به‌ویژه با تمرکز بر نویسندگان زن، هنوز جای کار فراوان دارد و مطالعات اندکی در این زمینه انجام شده است.

در همین راستا، مینا فتحی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «استراتژی‌های ترجمه در رمان بانوی پیشگو اثر مارگارت اتوود»، ترجمه سهیل سمی را بر اساس مدل وینه و داربلنه تحلیل کرده است. یافته‌های او نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی به تکنیک «معادل‌سازی» تعلق داشته و استراتژی‌های غیرمستقیم در ترجمه این اثر غالب بوده‌اند.

رضوان طلب و کردی‌یزدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ترجمه الهام دارچینیان از رمان من او را دوست داشتم نوشته آنا گاولدا بر اساس نظریه وینه و داربلنه»، به تحلیل ترجمه فارسی این اثر فرانسوی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مترجم بیش از همه از تکنیک‌های غیرمستقیم استفاده کرده و در میان آن‌ها، تعدیل یا تغییر بیان بالاترین بسامد را داشته است.

الحُبَيْشِي (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «إجراءات الترجمة عند فيناي وداربلنه في ترجمة الكلمات الثقافية الخاصة: دراسة حالة لرواية مزرعة الحيوان» به بررسی کاربست نظریه وینه و داربلنه در ترجمه‌ی فرهنگی پرداخته است. نتایج نشان داد که مترجمان عربی بیشتر از تکنیک «معادل‌یابی» برای انتقال مفاهیم استفاده کرده‌اند.

در نهایت، اکبر کرکاسی، همایونی و نیازی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و ارزیابی ترجمه بر پایه روش‌های هفت‌گانه وینه و داربلنه: مورد مطالعه رمان ارض النفاق»، نشان داده‌اند که در مواردی که مترجم از تکنیک‌های غیرمستقیم استفاده کرده است، ترجمه از کیفیت بالاتری برخوردار بوده است؛ اما در ترجمه‌های مبتنی بر روش‌های مستقیم، افت کیفیت و عدم روانی مشاهده شده است.

در سطح بین‌المللی نیز پژوهشگرانی چون رایس (۱۹۷۷)، بیکر (۲۰۱۸) و ونوتی (۲۰۰۸) بر اهمیت ابعاد فرهنگی و کارکردی در ترجمه متون ادبی تأکید کرده‌اند. رایس با رویکرد کارکردی خود نشان داد که متن ادبی باید بر اساس نقش و کارکرد آن در زبان مقصد ارزیابی شود، در حالی که بیکر بر نقش عناصر فرهنگی و سبک‌شناختی در کیفیت ترجمه تأکید می‌کند. ونوتی نیز با طرح مفاهیم بومی‌سازی و بیگانه‌سازی، ترجمه را به عرصه‌ای ایدئولوژیک و فرهنگی پیوند می‌زند. با وجود چنین پژوهش‌هایی در سطح جهانی، مطالعات تطبیقی در زمینه ترجمه آثار عربی به فارسی، به‌ویژه آثار نویسندگان زن عرب، همچنان محدود است و این امر ضرورت پژوهش حاضر را دوچندان می‌سازد.

۲. معرفی نویسنده، مترجم و اثر

هدی حمد (متولد ۱۹۸۱، سلطنت عمان) نویسنده، روزنامه‌نگار و از نویسندگان شناخته شده در ادبیات معاصر عمان است. آثار او عمدتاً بر محور موضوعات اجتماعی، هویتی و مسائل زنان در جامعه عمانی تمرکز دارد. وی تاکنون چهار رمان و پنج مجموعه داستانی منتشر کرده و موفق به دریافت جوایزی همچون «جایزه خلاقیت عربی شارجه» و «جایزه بهترین اثر عمانی» در سال ۲۰۰۹ برای رمان الأشیاء لیست فی أماكنها شده است. آثار او به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی و فارسی ترجمه شده‌اند.

سبک روایی حمد، تلفیقی از زبان شاعرانه، استعاره‌های بومی و فضا‌سازی جزئی‌نگر است که تجربه زنانه را در بستر فرهنگی عمانی بازنمایی می‌کند. روایت چندصدایی او، با جابه‌جایی بین زاویه دید

شخصیت‌ها، امکان بیان طیف متنوعی از احساسات و دیدگاه‌ها را فراهم می‌آورد. این ویژگی‌ها، در کنار ارجاعات فرهنگی خاص، چالش‌های مهمی را برای مترجم در حفظ لحن، ریتم و فضای اثر ایجاد می‌کند.

از نظر محتوایی، رمان‌ها و داستان‌های هدی حمد اغلب به زندگی زنان عادی می‌پردازد، نه قهرمانان افسانه‌ای. در رمان سیندرلای مسقط، این زنان هفته‌ای یک شب در رستورانی به نام «سیندرلا» گرد هم می‌آیند و تجربه‌های شخصی خود را در مواجهه با تبعیض جنسیتی، فشارهای اجتماعی و بحران هویت بازگو می‌کنند. این شب برای آنان فرصتی است تا «سیندرلایی شوند که رنگ زمان و پیری را به خود ندیده‌اند».

معانی شعبانی (متولد ۱۳۵۸) مترجم و نویسنده ایرانی است که در حوزه ترجمه ادبی از زبان عربی به فارسی فعالیت می‌کند. وی با نگاهی فرهنگی و مخاطب‌محور، آثار برجسته‌ای از نویسندگان عرب، به‌ویژه زنان نویسنده، را به فارسی برگردانده است. از جمله مهم‌ترین ترجمه‌های او می‌توان به سیندرلای مسقط، باغ‌های بصره، زنی که پله‌هایش را می‌شمارد و نخل و همسایه‌ها اشاره کرد.

انتخاب رمان سیندرلای مسقط برای پژوهش حاضر، به دلیل جایگاه ویژه آن در بازنمایی هویت زنان و کمبود مطالعات ترجمه‌شناسی در حوزه آثار معاصر عربی، به‌ویژه آثار نویسندگان زن، صورت‌گرفته است.

تحلیل این ترجمه با تمرکز بر تکنیک‌های مدل وینه و داربلنه، امکان بررسی چگونگی بازآفرینی عناصر زبانی، فرهنگی و سبکی را فراهم می‌سازد و می‌تواند درک بهتری از چالش‌های مترجم در انتقال سبک شاعرانه و زمینه فرهنگی اثر به زبان فارسی ارائه دهد. چنان‌که بیکر (۲۰۱۸: ۹۲) نیز تأکید می‌کند، سبک و لحن روایی از عناصر بنیادین در سنجش کیفیت ترجمه‌های ادبی به شمار می‌آیند.

۳. چارچوب نظری

نظریه وینه و داربلنه یکی از نخستین الگوهای نظام‌مند در حوزه مطالعات ترجمه است که در دهه ۱۹۵۰ برای بررسی مقابله‌ای زبان‌ها ارائه شد. این دو پژوهشگر با تحلیل تطبیقی زبان‌های فرانسه و انگلیسی، ترجمه را به دو شیوه کلی تقسیم کردند: ترجمه مستقیم و ترجمه غیرمستقیم (Vinay & Darbelnet, 1995: 30).

ترجمه مستقیم شامل سه تکنیک است: فرض‌گیری، گرت‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی. این روش‌ها در جایی کاربرد دارند که شباهت‌های ساختاری یا معنایی میان زبان مبدأ و مقصد وجود داشته باشد (همان: ۳۱-۳۵).

در مقابل، ترجمه غیرمستقیم شامل چهار تکنیک جابه‌جایی، تغییر بیان، معادلیابی و همانندسازی است. این تکنیک‌ها زمانی به کار می‌روند که ترجمه مستقیم نتواند معنا و سبک متن را منتقل کند و مترجم برای وفاداری به پیام و سازگاری با زبان مقصد ناگزیر از بازآفرینی متن است (همان: ۳۶-۳۹).

به گفته ماندی، تقسیم‌بندی وینه و داربلنه چارچوبی عملی و شفاف برای تحلیل ترجمه‌ها فراهم می‌کند و تمایز میان «استراتژی» در سطح کلان و «رویه» در سطح خرد متن را آشکار می‌سازد (Munday, 2016: 89).

بنابراین، نظریه وینه و داربلنه با ارائه هفت تکنیک مشخص، مبنای مناسبی برای تحلیل ترجمه‌های ادبی محسوب می‌شود و امکان ارزیابی میزان وفاداری مترجم به متن مبدأ و سازگاری او با زبان و فرهنگ مقصد را فراهم می‌آورد. با وجود مزایای این مدل، پژوهشگران متأخر بر محدودیت‌های آن نیز تأکید کرده‌اند. برای مثال، بیکر (۲۰۱۸: ۱۱۳) یادآور می‌شود که چارچوب‌های زبان‌شناختی کلاسیک بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی، نمی‌توانند تحلیل کاملی از ترجمه ادبی ارائه دهند. ونوتی (۲۰۰۸: ۱۹) نیز با طرح راهبردهای بومی‌سازی و بیگانه‌سازی نشان داده است که فرایند ترجمه همواره واجد ابعاد ایدئولوژیک است. از این رو، کاربرد مدل وینه و داربلنه در پژوهش حاضر، در عین توجه به کارآمدی آن، با آگاهی از این محدودیت‌ها صورت می‌گیرد. افزون بر این، برای شفافیت بیشتر، در بخش چهارم مقاله طرح‌واره‌ای از این مدل ارائه می‌شود تا تقسیم‌بندی هفت‌گانه تکنیک‌ها به صورت بصری قابل درک باشد.

۴. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و در چارچوب توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل رمان سیندرلاهای مسقط نوشته هدی حمد (۲۰۱۶) و ترجمه فارسی آن توسط معانی شعبانی (۱۳۹۹) است.

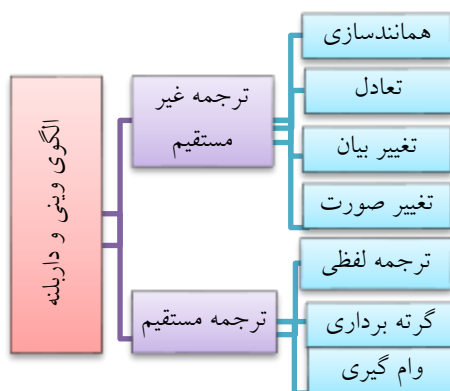
داده‌ها به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند؛ معیار انتخاب نمونه‌ها شامل گزاره‌هایی بود که دارای بار فرهنگی، استعاری، یا ساختارهای زبانی خاص بوده و احتمال بروز چالش در ترجمه آن‌ها وجود داشت.

این معیارها به پژوهشگر امکان داد تا به‌جای انتخاب تصادفی، مواردی را بررسی کند که بیشترین ظرفیت برای تحلیل در چارچوب نظری پژوهش داشتند.

در مرحله بعد، داده‌ها بر اساس مدل وینه و داربلنه (Vinay & Darbelnet, 1995) کدگذاری و تحلیل شدند. این مدل با معرفی دو شیوه کلی ترجمه مستقیم و غیرمستقیم و هفت تکنیک اصلی (وام‌گیری، ترجمه تحت‌اللفظی، گرت‌برداری، تغییر صورت، تغییر بیان، تعدیل و معادل‌یابی) چارچوب نظری مناسبی برای مطالعه تطبیقی ترجمه فراهم می‌کند.

برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوا (Content Analysis) استفاده شد؛ هر نمونه ترجمه با توجه به تکنیک به‌کاررفته شناسایی و در جدول‌های مربوط ثبت گردید. سپس بسامد استفاده از هر تکنیک محاسبه و با توجه به اهداف پژوهش تفسیر شد. اگرچه در این پژوهش از نرم‌افزارهای آماری مانند NVivo یا AntConc استفاده نشده است، اما به‌کارگیری کدگذاری دستی و تحلیل کیفی امکان بررسی دقیق‌تر ابعاد معنایی و سبکی متن را فراهم کرد. این رویکرد با ماهیت پژوهش کیفی-توصیفی سازگار بوده و تمرکز بر درک عمیق‌تر فرایند ترجمه را ممکن ساخت.

نمودار ۱. طرح واژه الگوی وینی و داربلنه در ترجمه



۵. بررسی تطبیقی تکنیک‌های مستقیم در ترجمه

۵-۱. فرض‌گیری

فرض‌گیری یکی از تکنیک‌های اصلی در ترجمه است که به معنای انتقال واژه یا اصطلاح از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون تغییر در صورت نوشتاری و آوایی آن است. این تکنیک زمانی به کار می‌رود که

معادل دقیقی در زبان مقصد برای واژه یا مفهوم موردنظر وجود نداشته باشد یا انتقال واژه با حفظ شکل اصلی آن ضروری باشد، به‌ویژه برای اصطلاحات خاص، نام‌های فرهنگی، یا مفاهیم فنی (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۱) این روش نوعی پل زبانی و فرهنگی میان دو زبان تلقی می‌شود و معمولاً با توضیح یا پانویس همراه می‌گردد تا درک مطلب برای خواننده تسهیل شود.

وینه و داربلنه تأکید دارند که وام‌گیری بیشتر در شرایطی به کار می‌رود که زبان مبدأ واقعیتی را ارائه می‌دهد که در زبان مقصد ناشناخته یا فاقد معادل است (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۹۳).

در ترجمه رمان «سیندرلاهای مسقط»، مترجم در موارد متعددی از روش وام‌گیری بهره برده است:

متن اصلی: في بيع الدنجو والزلابية واللؤلؤ (حمد، ۲۰۱۶: ۱۴۴).

ترجمه: دنجو و زولبیا و نان لولاه (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۶۲).

واژگان محلی بدون معادل‌سازی وارد شده و با پانویس توضیح داده شده‌اند این کار به انتقال بومی‌گرایانه معنا کمک کرده است.

متن اصلی: في ذلك المطعم المٌطلّ على شاطئِ القرم (حمد، ۲۰۱۶: ۱۰).

ترجمه فارسی: به آن رستورانی که رو به ساحل قرم بود (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۲).

نام مکان حفظ شده و با توضیحی در پانویس همراه شده رویکردی منطقی برای نام‌های خاص جغرافیایی.

متن اصلی: تفتح السندریلات أبواب الغرف السرية، ليحكين كل ما يعبر فلاتر حياتهنّ الحساسة جدًّا (حمد، ۲۰۱۶: ۱۸).

ترجمه: سیندرلاها در اتاق‌های مخفی رازهایشان را باز می‌کردند و رازهایشان را به هم می‌گفتند رازهایی رد شده از فیلتر خیلی حساس و خیلی ظریف گذشته‌شان (شعبانی، ۱۳۹۹: ۲۱).

کلمه «فلتر» که از واژه انگلیسی **filter** گرفته شده، در زبان عربی به صورت قرصی وارد شده و مترجم آن را عیناً به زبان فارسی منتقل کرده است. این انتخاب با توجه به آشنایی مخاطب فارسی‌زبان با واژه «فیلتر»، درک متن را تسهیل می‌کند و نیازی به معادل‌سازی مجدد نداشته است.

در مجموع، معانی شعبانی با انتخاب تکنیک قرض‌گیری در مواردی خاص، توانسته است ضمن حفظ رنگ‌وبوی فرهنگی متن مبدأ، به انتقال دقیق معنا نیز وفادار بماند. استفاده از این تکنیک، به‌ویژه در مواردی که واژه‌ها بار فرهنگی خاصی دارند یا معادل دقیقی برای آن‌ها در زبان مقصد وجود ندارد، کاملاً منطقی و مؤثر به نظر می‌رسد. در نمونه‌های ترجمه حاضر نیز مترجم با افزودن پانویس و توضیحات، توانسته است این ابهام را کاهش دهد.

۲-۵. گرتة برداری

گرتة برداری یکی از روش‌های وام‌گیری زبانی است که در آن، واژه یا عبارت زبان مبدأ به صورت جزء به جزء به زبان مقصد ترجمه می‌شود، بدون آنکه ساختار کلی آن تغییر یابد. این تکنیک به دو شکل واژگانی و ساختاری ظاهر می‌شود؛ در حالت واژگانی، عبارت خارجی با حفظ ترتیب اجزای خود ترجمه می‌گردد، و در حالت ساختاری، قالب نحوی زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌شود (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۲).

آذرنوش معتقد است که گرتة برداری از قرن پنجم هجری در میان مترجمان ایرانی رایج شد و با گذر زمان، این گرتة‌ها در زبان فارسی تثبیت گردیدند (آذرنوش، ۱۳۸۸: ۹۸). وی این پدیده را نه تنها نشانه تأثیرپذیری زبانی، بلکه نمایانگر تعامل فرهنگی می‌داند. نجفی نیز در کتاب غلط‌نویسیم مثال‌هایی از گرتة برداری در زبان فارسی ارائه می‌دهد؛ مانند اصطلاح «شست‌وشوی مغزی» که ترجمه تحت‌اللفظی عبارت انگلیسی «Brain Washing» است (نجفی، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

مثال‌هایی از گرتة برداری در ترجمه فارسی رمان سیندرلاهای مسقط نیز قابل مشاهده است:

متن اصلی: حاولت جاهدة ترتيب سيل الكلام والغضب الجارف (حمد، ۲۰۱۶: ۴۴).

ترجمه: خیلی سعی کردم سيل حرف‌ها و خشم خروشانم را سروسامان دهم (شعبانی، ۱۳۹۹: ۵۰).

در این مثال، عبارت «خشم خروشان» ساختاری گرته‌بردارانه دارد که به‌جای ترجمه مستقیم «الغضب الجارف»، تصویری زبانی از زبان مبدأ در فارسی بازتاب یافته است. این انتخاب باذوق ادبی همراه بوده و از نظر ساختار و سبک با زبان فارسی هماهنگ است.

متن اصلی: فأنا مجهدة ولا شيء كيديك يا ماسي يُزيح عني كوارث التعب (حمد، ۲۰۱۶: ۶۶).

ترجمه: من خیلی خسته‌ام ماسی و هیچ‌چیز مثل دستانت فجایع خستگی را از من دور نمی‌کند (شعبانی، ۱۳۹۹: ۷۸).

ترکیب «فجایع خستگی» گرته‌برداری تحت‌اللفظی و در فارسی نامأنوس است. استفاده از معادل‌هایی چون «شدت خستگی» یا «بار خستگی» می‌توانست هم لحن عاطفی متن را حفظ کند و هم بیان روان‌تری به خواننده ارائه دهد.

متن اصلی: وكان غشاء فاصلاً يمكن بين الطاولة السحرية والطاولات المجاورة (حمد، ۲۰۱۶: ۱۲).

ترجمه: انگار پرده‌ای میان میز جادوزده آن‌ها و میزهای مجاور، آویزان بود (شعبان، ۱۳۹۹: ۱۴).

ترجمه «میز جادو زده» اگرچه تصویر متن را منتقل می‌کند، اما از نظر هنجارهای فارسی کمتر پذیرفتنی است. انتخاب «میز جادویی» می‌توانست علاوه بر روانی، هماهنگی بیشتری باذوق ادبی زبان مقصد داشته باشد.

خزاعی فر نیز یادآور می‌شود که گرته‌برداری گرچه می‌تواند به غنای زبان فارسی کمک کند، اما مترجم باید مراقب باشد تا از ظرفیت‌های بیانی زبان مقصد غافل نماند. استفاده بی‌رویه از ساختارهای بیگانه ممکن است متن را برای مخاطب سنگین و نامأنوس سازد (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۵).

بنابراین، گرته‌برداری اگر با آگاهی سبکی و فرهنگی همراه باشد، می‌تواند راهبردی موفق در انتقال تصویرهای متن مبدأ باشد؛ اما کاربرد بی‌محابا و بدون توجه به هنجارهای زبان مقصد، موجب بیگانگی متن و کاهش تأثیر عاطفی بر مخاطب می‌شود.

ترجمه تحت‌اللفظی یکی از تکنیک‌های اصلی در دسته‌بندی وینه و داربلنه است که در آن متن مبدأ به صورت کلمه‌به‌کلمه و با حفظ ترتیب و ساختار نحوی به زبان مقصد منتقل می‌شود. این روش زمانی مطلوب است که دو زبان از نظر ساختار نحوی و معنایی به یکدیگر نزدیک باشند، به گونه‌ای که معنا در زبان مقصد نیز بدون نیاز به تغییرات ساختاری منتقل شود (وینی و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۳).

وینه و داربلنه بر این باورند که ترجمه تحت‌اللفظی به‌ویژه در زبان‌های هم‌خانواده و هم فرهنگ (مانند فرانسوی و ایتالیایی یا عربی و عبری) کاربرد دارد، اما اگر ساختار نحوی یا معنایی زبان‌ها متفاوت باشد، ممکن است این نوع ترجمه منجر به انتقال نادرست معنا یا ایجاد جملاتی ناآشنا در زبان مقصد شود (همان، ۳۴).

نیازی و همکاران نیز در تحلیل‌های خود بر این نکته تأکید می‌کنند که در زبان‌هایی مانند فارسی و عربی که تفاوت‌های فرهنگی و نحوی چشمگیری دارند، استفاده بی‌رویه از ترجمه تحت‌اللفظی ممکن است موجب بی‌روح شدن متن یا حتی انتقال نادرست معنا گردد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۵).

در ادامه، برخی از نمونه‌های به‌کارگیری این تکنیک در ترجمه فارسی رمان سیندرلاهای مسقط اثر هدی حمد بررسی می‌شود:

متن اصلی: وسرت الحکایة فی الهواء (حمد، ۲۰۱۶: ۱۱۱).

ترجمه: داستان در هوا پخش شد (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

در این ترجمه، معادل‌گزینی تحت‌اللفظی به‌کاررفته که هر چند معنای دقیق جمله را منتقل می‌کند، اما فاقد بار عاطفی و فرهنگی متن مبدأ است. استفاده از تعبیر رایج فارسی مانند «مثل برق و باد پخش شد» یا «خبرش مثل بمب ترکید» می‌توانست بر وضوح، بار احساسی متن را نیز بازآفرینی کند.

متن اصلی: ولم یکن علی لسانها سوی الشتام (حمد، ۲۰۱۶: ۶۱).

ترجمه: و روی زبانش فقط فحش بود (شعبانی، ۱۳۹۹: ۷۱).

ترجمه «روی زبانش فقط فحش بود» کلمه‌به‌کلمه است و لحن زننده متن را تضعیف می‌کند. به‌کارگیری اصطلاحات بومی چون پاشنه دهن را کشیدن می‌توانست بار فرهنگی و طنز تلخ جمله را بهتر منتقل سازد (دهخدا، ۱۳۷۶: ۳۶۵).

متن اصلی: حتى الجارات اللواتي يدسسن أنوفهن في كل شيء (حمد، ۲۰۱۶: ۳۹).

ترجمه: حتی زن‌های همسایه که دماغشان را در هر سوراخی فرومی‌کردند (شعبانی، ۱۳۹۹: ۴۵).

ترجمه حاضر به دلیل گرایش تحت‌اللفظی، تصویری نامأنوس برای خواننده فارسی‌زبان ایجاد می‌کند و با لحن متن مبدأ همخوانی ندارد. به‌کارگیری معادل‌های فرهنگی رایج‌تر مانند «سرک‌کشیدن» می‌توانست انتقال معنا را طبیعی‌تر و هماهنگ‌تر سازد (معین، ۱۳۸۲: ص ۵۴۵).

بنابراین، نمونه‌های ترجمه تحت‌اللفظی در سیندرلاهای مسقط نشان می‌دهد که افراط در این روش، موفقیت مترجم را در بازتاب سبک ادبی هدی حمد محدود ساخته است، چراکه بیشتر به ساختار مبدأ وفادار مانده تا به لحن فرهنگی و شاعرانه متن. همان‌گونه که ونوتی (۲۰۰۸: ۱۹) تأکید می‌کند، ترجمه زمانی اثرگذار است که میان بومی‌سازی و بیگانه‌سازی توازن برقرار شود.

۶. بررسی تطبیقی تکنیک‌های غیر مستقیم

۶-۱. جابه‌جایی

جابه‌جایی یا ترانهشتی یکی از تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم در مدل وینه و داربلنه است که در آن، ساختار دستوری جمله در زبان مبدأ به ساختاری متفاوت اما هم‌معنا در زبان مقصد تبدیل می‌شود. این تغییر ساختاری ممکن است شامل تبدیل اسم به فعل، فعل به قید، قید به صفت، جمع به مفرد یا برعکس، تغییر فاعل جمله، و حتی تبدیل جملات منفی به مثبت باشد (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۶).

این تکنیک، گاهی به‌صورت اختیاری و برای روان‌تر شدن متن صورت می‌گیرد، و گاهی نیز اجباری است، زیرا زبان مقصد امکان استفاده از ساختار اصلی را ندارد. به گفته وینه و داربلنه، این نوع جابه‌جایی در ترجمه، در بسیاری از موارد نه‌تنها اجتناب‌ناپذیر بلکه مطلوب است، زیرا بافت زبانی مقصد را بهینه و طبیعی می‌کند (همان: ۳۶).

نمونه‌هایی از کاربرد تکنیک جابه‌جایی در ترجمه رمان سیندرلاهای مسقط:

متن اصلی: بلا، هموم بلا أوجاع (حمد، ۲۰۱۶: ۲۱).

ترجمه: بی غم و بی دردند (شعبانی، ۱۳۹۹: ۲۴).

ترکیب‌های اسمی عربی به صفات در زبان مقصد تبدیل شده‌اند. همچنین با حذف تکرارهای عربی و تلفیق آن‌ها در ساختاری روان، مترجم از جابه‌جایی صرفی و نحوی برای سادگی و انسجام بیشتر بهره برده است.

متن اصلی: لأن الناس لا ترحم (حمد، ۲۰۱۶: ۵۶).

ترجمه: چون مردم بی رحمنند. (شعبانی، ۱۳۹۹: ۶۵).

در این ترجمه، فعل مضارع منفی عربی به صفت اسنادی بی‌رحم تبدیل شده و با افعال ربطی در جمله فارسی پیوند یافته است.

متن اصلی: يتغامزن ويملكن الكثير من العبث ليفعلنه (حمد، ۲۰۱۶: ۲۱).

ترجمه: چشم زنان پر از خوشی‌های ریزودرشت وقت می‌گذرانند (شعبانی، ۱۳۹۹: ۲۴).

در این نمونه، فعل «یتغامزن» که به معنای «چشمک‌زدن»، در ترجمه به ترکیب اسمی «چشم زنان» تبدیل شده است. این جابه‌جایی ساختاری (فعل ← اسم مرکب) باعث شده متن در زبان مقصد طبیعی‌تر و برای مخاطب فارسی‌زبان ملموس‌تر جلوه کند.

متن اصلی: أن خروج الفلاح من أرضه يُطفئ بريق عينيه (حمد، ۲۰۱۶: ۱۰۹).

ترجمه فارسی یک روستایی اگر از روستایش بیرون برود چشم‌هایش دیگر نمی‌درخشد (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

در این ترجمه، اسم‌مصدر «خروج» در زبان عربی به فعل «بیرون برود» در فارسی تبدیل شده است که با ساختار گفتار روزمره و نوشتار طبیعی در زبان مقصد سازگاری بیشتری دارد.

تکنیک جابه‌جایی به مترجم این امکان را می‌دهد که بدون تحریف معنا، ساختار جمله را با زبان مقصد منطبق کند. استفاده درست از این تکنیک نه تنها باعث حفظ دقت معنایی می‌شود، بلکه از ناهنجاری‌های زبانی نیز جلوگیری می‌کند. در ترجمهٔ رمان «سیندرلاهای مسقط»، مترجم با به‌کارگیری هوشمندانه

جابه‌جایی، توانسته است ساختارهای ادبی و بیانی زبان عربی را به صورتی روان و قابل‌درک در زبان فارسی منتقل کند.

۲-۶. تعدیل یا تغییر بیان

تعدیل یا تغییر بیان یکی دیگر از تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم در مدل وینه و داربلنه است. در این تکنیک، مترجم بدون تغییر در پیام کلی، زاویه دید یا بیان جمله را تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر، معنا حفظ می‌شود؛ اما ساختار نحوی یا معنایی جمله در زبان مقصد به گونه‌ای دیگر بیان می‌شود وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۷).

تغییر بیان ممکن است به صورت اختیاری (برای روان‌سازی یا طبیعی‌تر شدن متن) یا اجباری (در صورت نبود ساختار مشابه در زبان مقصد) اعمال شود. انواع آن می‌تواند شامل تبدیل انتزاع به عینیت، جزء به کل، منفی به مثبت، حذف یا فزونی اطلاعات، و حتی انتخاب واژگان با بار معنایی متفاوت اما مرتبط باشد (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

متن اصلی: هكذا يعترض رائد على الأشياء التي لا تعجبه، بأن يتغير، لا يضحك، لا يمزح (حمد، ۲۰۱۶: ۷۶).
ترجمه: رائد به تمام چیزهایی که دوست نداشت این‌طور اعتراض می‌کرد عوض می‌شد نمی‌خندید شوخی نمی‌کرد (شعبانی، ۱۳۹۹: ۸۸).

در این مثال، مترجم افعال مضارع «لا يضحك» و «لا يمزح» را به افعال ماضی در زبان فارسی «نمی‌خندید»، «شوخی نمی‌کرد» برگردانده است. این تغییر زمان فعل، نمونه‌ای از تعدیل زمانی است که باعث طبیعی‌تر شدن بیان در زبان مقصد می‌شود.

متن اصلی: لطالما كان رائد غير مطمئن الركضي. الركض يخيفه (حمد، ۲۰۱۶: ۷۶).
ترجمه فارسی: رائد دوست نداشت بدوم. در این باره مطمئن نبود. دویدنم او را می‌ترساند (شعبانی، ۱۳۹۹: ۸۸).

در اینجا، جمله «رائد دوست نداشت بدوم» به متن اضافه شده است تا فضای معنایی جمله برای خواننده فارسی‌زبان شفاف‌تر گردد. این افزوده‌سازی، با هدف انتقال بهتر معنا، از نمونه‌های بارز تغییر بیان از نوع افزایش اطلاعات محسوب می‌شود که در چارچوب مدل وینه و داربلنه قابل قبول است.

متن اصلی: «وعوض أن تقول له رأيتها في الطعم، قبلته في فمه طويلاً...» (حمد، ۲۰۱۶: ۳۰).

ترجمه فارسی: ...به‌جز در ماجرای کیک و اولین بوسه‌اش (شعبانی، ۱۳۹۹: ۳۵).
در این مورد، مترجم بخش عمده‌ای از متن اصلی را حذف کرده است؛ به گفته کمالی، «در مواقعی که متن مبدأ حاوی مطالبی باشد که با فرهنگ، ارزش‌ها یا قواعد زبانی مخاطب مقصد ناسازگار است،

مترجم مجاز است به حذف یا تعدیل بخش‌هایی از متن بپردازد» (کمالی، ۱۳۷۳: ۲۳) این نوع تعدیل می‌تواند باعث بومی‌سازی مؤثر متن شود.

مترجم با کنار گذاشتن جزئیات تصویری و عاطفی متن اصلی، روایت را ساده‌سازی کرده است. در نتیجه، اگرچه متن مقصد با ارزش‌های فرهنگی جامعه همساز می‌شود، اما بخشی از بار عاطفی و شوخ‌طبعی متن اصلی از بین می‌رود.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که مترجم در برخی موارد با تغییر بیان توانسته متن را برای مخاطب فارسی‌زبان روان‌تر و بومی‌تر سازد؛ اما در مواردی دیگر، به‌ویژه در حذف جزئیات تصویری، بخشی از سبک شاعرانه و عاطفی نویسنده از دست‌رفته است؛ بنابراین موفقیت یا ناکامی مترجم در این تکنیک، بستگی مستقیم به توانایی او در حفظ توازن میان وفاداری معنایی و بازتاب سبکی دارد.

این رویکرد را می‌توان در پرتو نظریه «بومی‌سازی» ونوتی نیز تحلیل کرد؛ زیرا مترجم با حذف عناصر نامأنوس، متنی تولید کرده که برای مخاطب مقصد پذیرفتنی‌تر است. باین‌حال، همان‌طور که (ونوتی، ۲۰۰۸: ۲۰) تأکید می‌کند، بومی‌سازی در متون ادبی همواره با خطر کاستن از غنای سبک و تجربه ادبی همراه است.

۳-۶. همانندسازی (اقتباس)

همانندسازی یا اقتباس یکی از تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم در نظریه وینه و داربلنه است که در مواردی به کار می‌رود که موقعیت یا مفهوم موردنظر در زبان مبدأ، در زبان مقصد وجود نداشته یا قابل‌فهم نباشد. هدف از این تکنیک، ایجاد معادل بومی در زبان مقصد است تا اثر معنایی و عاطفی جمله اصلی برای خواننده حفظ شود (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۴۰).

نمونه‌هایی از کاربرد همانندسازی در ترجمهٔ رمان «سیندرلای مسقط»:

متن اصلی: بنتابني في بعض الأحيان شعور بالمقت والكراهية (حمد، ۲۰۱۶: ۸۹).

ترجمه: گاهی احساس می‌کنم از آنها کینه به دل دارم (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

مترجم به جای واژه‌های «نفرت و انزجار» از اصطلاح پرکاربرد فارسی استفاده کرده است. این انتخاب نمونه‌ای از بومی‌سازی به معنای ونوتی است (۱۹۹۵: ۲۱) زیرا متن را برای مخاطب مقصد آشنا تر می‌کند.

متن اصلی: وتأذی آذانتا بصراخ الصغیرات (حمد، ۲۰۱۶: ۱۴).

ترجمه فارسی: و گوشمان از جیغ و اخ و اوخ آن کوچولوهای به درد آمده، درد می‌گرفت (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۷).

انتخاب تعبیر عامیانه باعث شده متن برای خواننده فارسی زنده‌تر و ملموس‌تر شود. این نوع همانندسازی فرهنگی نشان‌دهنده تلاش مترجم برای ایجاد تجربه شنیداری آشنا در زبان مقصد است.

متن اصلی: تتوقف عن اطلاق الشائم أمام الجیران (حمد، ۲۰۱۶: ۵۶).

ترجمه فارسی: دست از فحش دادن بردارد، مخصوصاً جلوی دروهمسایه (شعبانی، ۱۳۹۹: ۶۵).

مترجم به جای ترجمه خشک «در برابر همسایگان» اصطلاح رایج فارسی را به کار برده است. این انتخاب علاوه بر انتقال معنا، فضای فرهنگی بومی را به متن اضافه کرده و خواننده را بیشتر درگیر کرده است.

متن اصلی: إنهنَّ وقورات جدا ومحتشمت (حمد، ۲۰۱۶: ۷۵).

ترجمه: دخترها باوقار و سنگین و رنگینند (شعبانی، ۱۳۹۹: ۸۷).

در این مثال، واژه «محتشمت» به معنای زنانی نجیب و محجوب، با اصطلاح عامیانه «سنگین و رنگین» جایگزین شده است. این ترجمه، نوعی همانندسازی فرهنگی است که ضمن حفظ حس جمله اصلی، در زبان مقصد نیز طبیعی و ملموس است.

بنابراین، همانندسازی در سیندرلاهای مسقط نشان می‌دهد که مترجم با جایگزینی اصطلاحات ناآشنای عربی با معادل‌های بومی فارسی، توانسته است پیام فرهنگی را برای مخاطب مقصد به خوبی قابل‌پذیرش سازد. این انتخاب‌ها اغلب موفق بوده‌اند؛ زیرا علاوه بر انتقال معنا، توانسته‌اند تجربه‌ای آشنا و طبیعی برای خواننده فارسی ایجاد کنند. همان‌طور که ونوتی (۲۰۰۸: ۲۱) نیز یادآور می‌شود، بومی‌سازی

می‌تواند به هم‌ذات‌پنداری بیشتر خواننده با متن کمک کند. در این ترجمه نیز اقتباس‌های مترجم به‌جای کاستن از ارزش متن، سبب روانی و گیرایی بیشتر روایت شده و سبک نویسنده را در قالبی قابل‌فهم برای مخاطب فارسی بازتاب داده است.

۴-۶. معادل‌یابی

معادل‌یابی یکی از تکنیک‌های غیرمستقیم ترجمه در مدل وینه و داربلنه است که هدف آن، ایجاد همان تأثیر معنایی و احساسی متن مبدأ در زبان مقصد است، حتی اگر بیان آن از نظر واژگان و ساختار تفاوت داشته باشد. در این شیوه، مترجم به‌جای تحت‌اللفظی یا ساختارگرا، تلاش می‌کند تا با انتخاب معادلی طبیعی و بومی‌شده، پیام موردنظر را به بهترین نحو در زبان مقصد بازآفرینی کند (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۸).

وینه و داربلنه تأکید می‌کنند که این روش زمانی کاربرد دارد که متن اصلی دارای عناصر فرهنگی، اصطلاحات، کنایات یا ساختارهایی باشد که ترجمه مستقیم آن‌ها در زبان مقصد غیرممکن، ناآشنا یا غیردقیق باشد. در این موارد، ترجمه موفق آن است که پیام را به‌گونه‌ای منتقل کند که مخاطب احساس کند با یک متن بومی و آشنا مواجه است، نه صرفاً متنی ترجمه‌شده (همان، ۳۹).

ماندی نیز با تأکید بر اهمیت معادل‌یابی، آن را یکی از ضروری‌ترین فنون در ترجمه متون ادبی و بینا فرهنگی می‌داند؛ زیرا باعث می‌شود که تأثیر نهایی متن بر مخاطب حفظ شود، حتی اگر واژگان تغییر یافته باشند (ماندی، ۲۰۱۶: ۹۰).

نمونه‌هایی از معادل‌یابی در رمان «سیندرلایهای مسقط»:

متن اصلی: لم تكن لدي لحظتها أجنحة لأطير (حمد، ۲۰۱۶: ۱۲۹).

ترجمه: از خوشحالی بال درآوردم (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۴۵).

در این مثال، مترجم با جایگزینی تصویر «بال داشتن» با اصطلاح رایج «از خوشحالی در بال در آوردم»، نوعی تطبیق فرهنگی انجام داده است. این تعدیل زبانی ضمن حفظ معنای شادی، متن را طبیعی‌تر و قابل‌فهم‌تر ساخته است.

متن اصلی: ولم يعد سوى مسقط ستر وغطاء لنا (حمد، ۲۰۱۶: ۱۱۱).

ترجمه: فقط مسقط مانده بود که می‌توانست باقیمانده ابرویمان را بخرد (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

در این مثال، مترجم با برگزیدن اصطلاح بومی «آبرو خریدن» به جای «ستر و غطاء» تعدیل فرهنگی انجام داده و متن را برای مخاطب فارسی روان‌تر کرده است. این تغییر، گرچه بخشی از تصویر استعاری متن مبدأ را دگرگون می‌کند، اما معنای اصلی را منتقل می‌سازد و مصداقی از بومی‌سازی در ترجمه ادبی به حساب می‌آید (ونوتی، ۲۰۰۸: ۴۲).

متن اصلی: أقام رائد الدنيا ولم يقعدھا (حمد، ۲۰۱۶: ۷۹).

ترجمه: زمین و زمان را بهم دوخت (شعبانی، ۱۳۹۹: ۹۱).

این انتخاب باعث شد بار اغراق‌آمیز جمله حفظ شود، اما تصویر اصلی نویسنده تغییر یابد. در نتیجه، خواننده فارسی تجربه‌ای متفاوت اما هم ارزش با متن مبدأ دریافت می‌کند.

متن اصلی: لأن لا حول لها ولا قوة لفعل شيء معي. (حمد، ۲۰۱۶: ۵۸).

ترجمه: هیچ کاری از دستش ساخته نیست (شعبانی، ۱۳۹۹: ۶۷).

مترجم معادلی روان و طبیعی برای عبارت طولانی و پیچیده عربی برگزیده است. این انتخاب باعث شد جمله با بافت گفتاری شخصیت‌ها در فارسی هماهنگ شود و برای خواننده مقصد بیگانه به نظر نرسد.

متن اصلی: خرجتُ إلى النور وبی أسقام لا تعد ولا تحصى (حمد، ۲۰۱۶: ۱۴۴).

ترجمه: بالاخره با باری از دردهای بی شمارم پا به این دنیا گذاشتم (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۶۲).

ترجمه تحت‌اللفظی «به‌سوی نور آمدن» در فارسی بی‌معنا می‌نمود؛ مترجم با انتخاب معادلی متناسب با فضای فرهنگی و ادبی فارسی، حس رنج و تولد را حفظ کرده است.

متن اصلی: يقظا لمخالب الدنيا (حمد، ۲۰۱۶: ۱۴۵).

ترجمه: برای دست و پنجه نرم کردن با زندگی آماده بود (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

مترجم با افزودن تعبیر «دست‌وپنجه نرم کردن» بعدی تصویری و حسی به متن بخشیده است. این انتخاب نوعی غنی‌سازی بیانی محسوب می‌شود که ضمن حفظ معنای اصلی، شدت تجربه عاطفی شخصیت را برای مخاطب مقصد پررنگ‌تر می‌سازد.

در مجموع، استفاده مترجم از معادل‌یابی در سیندرلاهای مسقط نشان‌دهنده موفقیت او در انتقال پیام و حفظ تأثیر عاطفی متن مبدأ است. این انتخاب‌ها سبب شده‌اند زبان مقصد روان، طبیعی و بومی جلوه کند و تجربه خواننده فارسی‌زبان تا حد زیادی با تجربه خواننده عربی هم‌ارز شود. باین‌حال، همان‌طور که بیکر (۲۰۱۸: ۹۲) تأکید می‌کند، در فرایند معادل‌یابی همواره احتمال فاصله گرفتن از سبک اصلی نویسنده وجود دارد؛ موضوعی که در برخی نمونه‌ها در ترجمه حاضر نیز مشاهده می‌شود.

نتیجه

پژوهش حاضر با کاربست نظری ترجمه وینه و داربلنه، به بررسی تطبیقی ترجمه فارسی رمان «سیندرلاهای مسقط» نوشته هدی حمد با ترجمه معانی شعبانی پرداخته است. هدف اصلی، تحلیل میزان استفاده از تکنیک‌های هفت‌گانه این نظریه در فرایند ترجمه و بررسی موفقیت مترجم در انتقال مؤلفه‌هایی چون پیام، بافت و سبک متن مبدأ به زبان مقصد بوده است.

جدول ۱. جدول زیر توزیع فراوانی هر یک از تکنیک‌های هفت‌گانه را در ترجمه بررسی‌شده نشان می‌دهد:

کاربست تکنیک‌های هفت‌گانه	تعداد	درصد کل نمونه‌ها
قرض‌گیری	۳	٪۱۲
گرته برداری	۳	٪۱۲
ترجمه لغوی	۳	٪۱۲
جاب‌جایی	۴	٪۱۵
تعدیل	۳	٪۱۲
اقتباس	۴	٪۱۵
معادل‌یابی	۶	٪۲۳

در پاسخ به پرسش اول، یافته‌های پژوهش نشان داد که تکنیک معادل‌یابی با ۶ نمونه (۲۳٪ کل نمونه‌ها) بیشترین بسامد را داشته است. پس از آن، تکنیک‌های جابجایی و همانندسازی/اقتباس هریک با ۴ نمونه (۱۵٪) در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. در مقابل، تکنیک‌های قرض‌گیری، گرته برداری، ترجمه لفظی و تعدیل سهم برابری از کاربرد داشتند و هریک در ۳ نمونه (۱۲٪) مشاهده شدند. این امر بیانگر رویکرد مقصدمحور مترجم و تلاش او برای ایجاد ارتباط مؤثر با خواننده فارسی‌زبان است.

در پاسخ به پرسش دوم، مشخص شد که مترجم با بهره‌گیری از تکنیک‌های غیرمستقیم مانند معادل‌یابی، تعدیل و همانندسازی توانسته است متنی روان، منسجم و هماهنگ با بافت فرهنگی مقصد ارائه دهد. انتخاب واژگان و ساختارها به گونه‌ای است که پیام، سبک و فضای ادبی متن اصلی با دقت و ظرافت در زبان مقصد بازآفرینی شده‌اند.

در مجموع، ترجمه معانی شعبانی را می‌توان نمونه‌ای موفق از کاربست الگوی وینه و داربلنه در ترجمه ادبی معاصر عربی به فارسی دانست؛ ترجمه‌ای که میان وفاداری به متن مبدأ و خوانایی در زبان مقصد تعادل برقرار کرده است. بر همین اساس، به نظر می‌رسد توجه بیشتر مترجمان به بهره‌گیری از تکنیک‌های غیرمستقیم، به‌ویژه در متون ادبی و فرهنگی، می‌تواند به خلق ترجمه‌هایی روان‌تر و سازگارتر با فرهنگ مقصد منجر شود. همچنین، گسترش پژوهش‌های آتی در زمینه آثار نویسندگان معاصر عرب و مقایسه چند ترجمه از یک اثر واحد، می‌تواند به درک دقیق‌تر از سبک مترجمان و میزان موفقیت آن‌ها در انتقال پیام کمک کند. به‌کارگیری نظریه‌های دیگر در کنار الگوی وینه و داربلنه نیز می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای را برای مطالعات ترجمه فراهم آورد.

منابع

الف. منابع عربی

حمد، هدی (۲۰۱۶). *سندریلات مسقط*. الطبعة الأولى. بیروت: دار الآداب.

ب. منابع فارسی

اکبرکرکاسی، مائده، همایونی، سعد الله و نیازی، شهریار. (۱۴۰۲). «تحلیل و ارزیابی ترجمه بر پایه روش‌های هفت‌گانه وینی و داربلنه (مورد مطالعه: *رمان ارض النفاق*)». پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، شماره ۲۷، صص ۱۲۱-۱۳۴.

خزعلی فر، علی. (۱۳۷۰). «تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه (۱)». مترجم، ۳(۱)، صص ۲۳-۳۴.

رضوان طلب، زینب و کردیزدی، سیمین (۱۴۰۲). «بررسی ترجمه الهام دارچینیان از *رمان من او را دوست داشتیم* نوشته آنا گاولیدا بر اساس نظریه وینه و داربلنه». پژوهش‌های زبان خارجی، دوره ۱۳، صص ۱۴۵-۱۵۶

صفوی، کوروش. (۱۴۰۲). *هفت گفتار درباره ترجمه*. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات مرکز.

فتحی، مبینا. (۱۳۹۸). *استراتژی‌های ترجمه در کتاب بانوی پیشگو اثر مارگارت اتوود*، ترجمه سهیل سمی بر اساس مدل وینی و داربلنه. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، دانشکده علوم انسانی.

کمالی، جواد. (۱۳۷۲). «حذف و اضافه در ترجمه». *فصلنامه مترجم*، ۳(۱۱ و ۱۲)، صص ۱۶-۳۱.

مدنی، اکرم و اصغری، جواد. (۱۴۰۰). «کاربست نظریه نیو مارک در انتقال واحد فرهنگ در ترجمه *رمان عربی*». پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۵، صص ۱۴۹-۱۷۷.

معین، محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ معین*. چاپ اول، تهران: انتشارات ساحل.

ماندی، جرمی. (۱۳۹۸). *درآمدی بر مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه الهه ستوده نیا و فریده حق‌بین. جلد اول، تهران: نشر علم.

نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه (باتکیه بر زبان عربی)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شعبانی، معانی. (۱۳۹۹). *سیندرلاهای مسقط*. چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.

ج. منابع لاتین

Al-Hubaishi, A. A. A. (2023). *Vinay and Darbelnet's translating procedures used in translating culture-specific words: A case study of George Orwell's Animal Farm*. *Electronic Journal of University of Aden for Humanity and Social Sciences*, 4(1), 80-89.

Baker, M. (2018). *In other words: A coursebook on translation* (3rd ed.). London & New York: Routledge.

Munday, J. (2016). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications* (4th ed.). London & New York: Routledge.

Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. London: Prentice Hall.

Reiss, K. (1977). *Texttyp und Übersetzungsmethode: Der operative Text*. Kronberg: Scriptor.

(Later translated as *Text types, translation types and translation assessment*).

Venuti, L. (2008). *The Translator's Invisibility: A History of Translation*. 2nd ed. London: Routledge.

Vinay, J.-P., & Darbelnet, J. (1995). *Stylistique comparée du français et de l'anglais: méthode de traduction*. Paris: Didier.



دراسة نقدية تقييمية لعملية ترجمة كتاب «سندريلات مسقط» لهدى حمد إلى اللغة الفارسية في ضوء نموذج فينيه

وداربلنيه

أسماء عبيداوي^١، رسول بلاوي^٢، سيد أحمد موسوي بناه^٣

- ^١ طالبة ماجستير في ترجمة اللغة العربية، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة شهيد تشرمان أهواز، أهواز، إيران.
^٢ أستاذ، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة شهيد تشرمان أهواز، أهواز، إيران.
^٣ أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة شهيد تشرمان أهواز، أهواز، إيران.

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	شهدت دراسات الترجمة في السنوات الأخيرة تطورًا ملحوظًا بفضل الاستفادة من النظريات الحديثة، مما أتاح تحليلاً أدقّ لعملية الترجمة. ومن بين هذه النظريات، برز نموذج فينيه وداربلنيه (١٩٩٥) الذي يقسم الترجمة إلى نوعين رئيسيين: الترجمة المباشرة وغير المباشرة، ويعرض سبع تقنيات هي: الاقتراض، الترجمة الحرفية، الاستعارة، التحويل، التبديل، التكيف، والمعادلة. يهدف هذا البحث إلى تحليل الترجمة الفارسية لرواية "سندريلات مسقط" للكاتبة العمانية هدى حمد من خلال دراسة مقارنة لعدد من العبارات المترجمة ونظيراتها في النص الأصلي العربي، وذلك بالاستناد إلى هذا النموذج. تعتمد الدراسة المنهج الوصفي التحليلي، وقد تم اختيار البيانات بشكل هادف. تُظهر نتائج التحليل أن المترجمة، معاني شعباني، استخدمت في الغالب أربع تقنيات من الترجمة غير المباشرة، وكانت تقنية المعادلة الأكثر تكرارًا. وقد أسفر هذا النهج عن ترجمة سلسلة وواضحة، تتناسب مع احتياجات القارئ الفارسي. كما تبين أن هذه الترجمة تركز بشكل أكبر على إيصال الرسالة بوضوح وفعالية بدلاً من محاكاة أسلوب الكاتبة، وهو توجه منطقي ومبرر بالنظر إلى الطبيعة السردية للنص. وبوجه عام، أدى الاستخدام الواعي للتقنيات الترجمةية إلى خلق توازن نسبي بين الأمانة للنص الأصلي وجذب القارئ.
تاريخ الوصول: ١٤٤٦/١٠/٢٢	
تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠١/٢٤	
الكلمات المفتاحية: فينيه وداربلنيه، الترجمة، شعباني، سندريلات مسقط، هدى حمد.	

الاقْتباس: عبيداوي، ا. بلاوي، ر. موسوي بناه، س. ا. (١٤٤٧). دراسة نقدية تقييمية لعملية ترجمة كتاب «سندريلات مسقط» لهدى حمد

إلى اللغة الفارسية في ضوء نموذج فينيه وداربلنيه، مقالة محكمة، السنة ٢، العدد ١، صص ٢٢١-٢٤٨.



DOI: 10.22034/jisall.2025.533258.1086

حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

Translation Critique and Evaluation of the Persian Translation of Cinderellas of Muscat by Huda Hamad Based on Vinay and Darbelnet's Model

Asma Obeidavi, M.A. Student of Arabic Translation Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Rasoul Balavi (Corresponding Author), Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: r.balavi@scu.ac.ir

Seyyed Ahmad Mosawi Panah, Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Introduction

Translation serves as a vital bridge for intercultural communication, enabling the transfer of ideas, values, and worldviews across linguistic boundaries. In contemporary translation studies, theorists such as Hatim and Mason (1997) have emphasized that translation is a cultural-discursive act rather than a mere substitution of words. Likewise, Safavi (2023) stresses that cultural and interpretive factors inevitably shape the process of translation, as no message can be transferred without transformation in form and meaning.

However, critics such as Baker (2018) and Venuti (2008) have noted that this model pays limited attention to cultural and ideological dimensions, which are particularly significant in the context of modern literary texts. Thus, employing the model alongside functionalist and cultural theories (Reiss, 1997) offers new perspectives. The present research applies Vinay and Darbelnet's framework to the Persian translation of *Cinderellas of Muscat* by the Omani novelist Huda Hamad (2016), translated by Ma'ani Sha'bani (2020). This novel, rich in themes of feminine identity, tradition, and modernity, provides a valuable case for exploring how cultural and literary nuances are transferred into Persian. The study seeks to evaluate the translator's strategies and to determine whether fidelity, readability, and cultural appropriateness were achieved.

Methodology

This study is qualitative in nature and follows a descriptive-analytical approach. The corpus consists of Hamad's *Cinderellas of Muscat* (2016) and its Persian translation by Sha'bani (2020). Data were purposefully selected from passages containing cultural load, metaphorical expressions, and stylistically marked linguistic structures that were likely to pose challenges in translation.

The selected segments were coded and analyzed according to Vinay and Darbelnet's (1995) model, which classifies translation strategies into direct and oblique methods across seven main techniques. Content analysis was employed to categorize each translation instance into its corresponding technique, which was then tabulated to calculate frequencies and patterns. Although software tools such as NVivo or AntConc were not applied, manual coding and qualitative analysis allowed for a more nuanced exploration of semantic and stylistic features. This approach aligns with the descriptive–qualitative orientation of the research and facilitates a deeper understanding of the translator's decision-making processes.

Results and Discussion

The analysis revealed a clear preference for oblique strategies. Among the seven techniques, equivalence was the most frequently employed (6 cases, 23%), followed by transposition and adaptation (4 cases each, 15%). Borrowing, calque, literal translation, and modulation occurred less frequently and in equal proportion (3 cases each, 12%).

This distribution indicates a target-oriented approach. By prioritizing equivalence, the translator aimed to reproduce the emotional and stylistic resonance of Arabic idioms through natural Persian expressions. Adaptation and transposition further contributed to fluency by reshaping structures and inserting culturally relevant idioms. For example, Sha'arani replaced Arabic metaphors with Persian cultural equivalents and shifted nominal to adjectival phrases for smoother readability.

In contrast, the limited use of literal translation and calque sometimes resulted in awkward phrasing, underscoring the limitations of direct techniques for literary texts. Borrowing was selectively applied with explanatory footnotes to retain cultural authenticity. Overall, the findings highlight that the translator balanced fidelity with cultural accessibility, prioritizing the communicative impact on Persian readers over rigid adherence to Arabic linguistic form.

Conclusion

This study demonstrated that the Persian translation of Cinderellas of Muscat reflects a strong reliance on oblique techniques—particularly equivalence, adaptation, and transposition—while direct methods were used less frequently. These results confirm the translator's target-oriented orientation, which produced a fluent, coherent, and culturally appropriate text. By reconstructing message, style, and literary tone rather than adhering literally to form, the translation successfully achieved a balance between fidelity to the source and readability in the target language.

Future research can further develop this line of inquiry by examining additional contemporary Arabic works, comparing multiple translations of the same text, and integrating other theoretical models beyond Vinay and

Darbelnet's. Such efforts will enrich translation studies by illuminating diverse strategies for cultural and literary transfer.

References

- Akbarkarkasi, M., Homayouni, S., & Niazi, Sh. (2023). *Analysis and evaluation of translation based on Vinay and Darbelnet's seven methods (Case study: Ard al-Nifaq novel)*. *Journal of Arabic Literary Criticism*, 27, 121–134. {In Persian}
- Dar al-Adab. (2016). *Cinderellas of Muscat* (H. Hamed, Author; 1st ed.). Beirut: Dar al-Adab. {In Arabic}
- Fathi, M. (2019). *Translation strategies in The Blind Assassin by Margaret Atwood, translated by Soheil Sami, based on Vinay and Darbelnet's model* (Unpublished master's thesis). Islamic Azad University, Shahre Qods Branch. {In Persian}
- Kamali, J. (1993). *Omission and addition in translation*. *Motarjem Quarterly*, 3(11–12), 16–31. {In Persian}
- Khaz'alifar, A. (1991). *Seven translation techniques (1)*. *Motarjem*, 3(1), 23–34. {In Persian}
- Madani, A., & Asghari, J. (2021). *Applying Newmark's theory in the transfer of cultural units in Arabic novel translation*. *Researches in Arabic Language and Literature Translation*, 25, 149–177. {In Persian}
- Mandi, J. (2016). *An introduction to translation studies: Theories and applications* (E. Sotoudehnia & F. Haqbin, Trans.; Vol. 1). Tehran: Elm Publishing. {In Persian}
- Mo'in, M. (2003). *Mo'in Dictionary* (1st ed.). Tehran: Sahel Publishing. {In Persian}
- Niazi, Sh., & Ghasemi Asl, Z. (2018). *Translation evaluation models (with a focus on Arabic language)*. Tehran: University of Tehran Press. {In Persian}
- Rezvantalab, Z., & Kordizadi, S. (2023). *An analysis of Elham Darchinian's translation of I Loved Him by Anna Gavalda based on Vinay and Darbelnet's model*. *Journal of Foreign Language Research*, 13, 145–156. {In Persian}
- Safavi, K. (2023). *Seven essays on translation* (15th ed.). Tehran: Markaz Publishing. {In Persian}
- Sha'bani, M. (2020). *Cinderellas of Muscat* (Translated from Arabic; 3rd ed.). Tehran: Sales Publishing. {In Persian}